



28 سپتمبر 2020

داکتر سید عبدالله کاظم

شاه امان الله غازی و برنامه های انکشاف معارف در کشور

(به مناسبت صد و یکمین سالگرد استرداد استقلال کشور)

بخش نهم

سفر شاه و ملکه به دوازده کشور آسیا و اروپا و تأثیرات آن:

بعد از استرداد استقلال کشور، هنگامیکه شهرت شاه امان الله بیعت اولین شاه استعمار شکن شرق در همه جا پخش گردیده بود، بعضی از کشورهای اروپایی از شاه برای بازدید از کشورشان رسماً دعوت کردند که البته این دعوت در یک وقت مساعد مورد قبول شاه واقع شد. در دوره دوم اصلاحات شاه برای انکشاف مزید کشور بخصوص در ساحه معارف، مطبوعات، عمران و مخابرات و نیز خریداری اسلحه در تلاش بود و برای این منظور باید هیئتی برای تهیه وسایل و جلب کمک ها به بعضی کشورهای اروپایی اعزام میگردد. وقتی موضوع در مجلس وزراء و سپس در شورای دولت جهت تعیین هیئت با صلاحیت مطرح شد، هر دو مجلس از شاه تقاضا کردند تا ریاست این هیئت و رنج سفر را بدوش گیرد. در سال 1306 تدارکات مقدماتی این سفر، پروگرام و دیگر امور لازمه آن مورد غور قرار گرفت و لست های مواد مورد ضرورت و غیره ترتیب گردید. این اولین بار در تاریخ کشور بود که یک پادشاه افغانستان فراتر از ساحات همجوار به جهان متفاوت و پیشرفته عصر سفر رسمی و قسماً شخصی میکرد و از همه مهمتر اینکه در این سفر ملکه ثریا با سه خانم همراه خود در معیت شاه بود و به حیث اولین زن افغان پا به خارج کشور میگذشت و در محافل رسمی و درباری اروپا اشتراک می نمود.

شاه امان الله در روز وداع که کابل را به عزک سفر اوپا ترک می گفت، در حضور جم غفیری به سخنرانی پرداخت و ضمناً گفت: «هندو، هزاره، شیعه، سنی، احمدزی، پوپلیزی نداریم، بلکه همه یک ملت هستیم و آن افغان... اولین نعمتی که افغانستان نائل شده است، استقلال است، پس استقلال خود را همیشه حمایت کنید و برای محافظت آن بیدار باشید، چه دشمن های استقلال تان همیشه از آن راهی که شما را از طرف آن بی خبر میدانند، به شما پیش خواهند آمد.» و علاوه کرد: «ملت عزیز! من برای شما قانون ترتیب دادم. ما ملت قانونی هستیم، جز مطابق قانون دیگر حکمی را بر خود قبول نکنید... حیات غیرمیعن است، ولی به هر حال میخواهم چند نصیحتی بشما گویم تا آنها را همیشه مدنظر داشته باشید و آن اینکه شمولیت پسران در مکاتب و هم اتحاد و اتفاق ملت و حفظ و حمایت استقلال... چیزیکه مرا در اروپا می فرستند، ذوق و شوق خودم نمیباشد و مجلس وزراء بر رفتن من تصویب کرده است...» (وکیلی پوپلزائی: "سفرهای غازی امان الله شاه در دوازده کشور آسیا و اروپا 1306 - 1307"، پشاور، چاپ دوم، 1379، صفحه 2 - 3)

سفر به تاریخ هفت قوس 1307 ش (29 نوامبر 1927) آغاز و بتاریخ 10 سرطان 1307 (اول جولای 1928) با برگشت شاه به وطن مدت هشت ماه را در بر گرفت. شاه و همراهان در این مدت از کشورهای هند، مصر، ایتالیا، فرانسه، بلژیک، آلمان، سوئیس، انگلستان، پولند، روسیه، ترکیه و ایران دیدن کردند، باسران حکومت آن کشورها در ساحات مختلف ملاقات و با بعضی ها قراردادهای تجارتي و غیره عقد نمودند. این سفرا لحاظ روابط خارجی با اهمیت بود که در نهایت افغانستان را به حیث یک کشور آزاد شامل نقشه جهان ساخت. شاه و ملکه در ممالک اروپایی به شمول انگلستان مورد استقبال شاهانه قرار گرفتند که دیگرشکی برای آزادی افغانستان در هیچ جا باقی نماند. این پذیرائی و ابراز حسن نیت با علاقمندی زیاد در دو کشور فرانسه و جرمنی بسیار شاندار و پر از صمیمیت کم نظیر بود، مگر پذیرائی گرم در لندن معنی دوستی واقعی آن کشور را با شاه امان الله نداشت. راجع به جریان مکمل این سفر هیچ کتاب مفصلتر از کتاب "سفرهای غازی امان الله شاه در دوازده کشور آسیا و اروپا..." بقلم وکیلی پوپلزائی

د پانو شمیره: له 1 تر 7

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلیکنی دلیکنیزی بڼی پازوالي دلیکوال په غاره ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیرو مخکی په څیر و لولی

در زبان دری در دسترس نیست، اما چون شرح و بسط آن از موضوع بحث این نوشته بدور است، لذا صرف به ذکر یکی دو نکته مهم در زمینه بسنده میشود و شرح مزید به مطالعه مأخذ فوق حواله میگردد:

در این سفر بر علاوه دیدار و ملاقاتهای رسمی دوستانه سیاسی با شاهان، رؤسای جمهور و شخصیت مهم کشورها حین سفر، موضوع مهم دیگر همانا دیدن مؤسسات مهم فرهنگی از قبیل پوهنتونها، مراکز متعدد تعلیمی، موزیم ها، فابریکات از هر نوع، آشنائی به پیشرفتهای تکنالوژیکی، مشاهدات مانورهای هوائی، فابریکات اسلحه سازی و در مجموع معرفت با نحوه ای زندگی مردم و مشاهده دربارهای مجلل و شاندار آن ممالک بود که در برابر پیشرفت های آنجا وقتی شاه به کشور خود می اندیشید، این احساس که کشور خودش چنان در قعر عقب ماندگی فرو رفته بود که حتی مردم از فرستادن فرزندان خود به مکتب ممانعت میکردند و نفوس کشوری یعنی زنان در جهل و فقر و در چهار دیوار خانه زندانی بودند؛ این احساس از یکطرف برایش تأثیر و مایوسیت باری آورد و اما از طرف دیگر مبارزه را در راه رفع و دفع آن در ذهنش تقویه میکرد. اینکه چگونه وضع وطن را تغییر دهد و از کجا شروع کند، او را در طول سفرش به خود مصروف ساخته بود و وقتی به وطن برگشت با همین احساس فوری دست بکار شد، بی خبر از آنکه دست های مرموز و فعال انگلیس در عقب پرده از آستین یک تعداد کسانی برآمده بود که با استفاده از توجیبات و تبلیغات سوء دینی و مذهبی علیه شاه در بین ملاها و بدانوسیله در بین مردم بیسواد کشور از مدتی بدانسو فعالیت میکردند و این شایعه را پخش می نمودند که گویا شاه از دایره شریعت بیرون و برضد علمای دینی قرار گرفته و به تقلید از اتاترک میکوشد یک نظام "سیکولر" را جانشین نظام اسلامی سازد. این انتقادات نه تنها بر شاه، بلکه شامل حال ملکه ثریا نیز بود، چنانچه عکس نیم تنه قسماً برهنه او را در هند برتانوی مونتاژ کرده و هزاران کاپی آنرا بقسم پستکارد چاپ و در سرتاسر افغانستان و حتی در قبایل آزاد پخش نمودند.

این ادعا که گویا شاه امان الله میخواست به تقلید از اتا ترک دین را از سیاست جدا کند و در پیشبرد اصلاحات خود شریعت را کنار گذارد، حقیقت نداشت و جزء تبلیغ دشمنان بود. برعکس او سعی داشت که تحول را در بنیاد مؤسسات مذهبی عنعوی کشور که بدست یک تعداد و خانواده های شان رهبری می شد، آغاز کند و میکوشید تا مذهب را از خرافات و ذهنیت های ماورای دینی - مذهبی که به شکل دساتیر شرعی در ذهن مردم عامه بوسیله ملاهای کم سواد و عناصر سیاسی که در لباس رهبران دینی درآمده بودند، پاک سازد. سنزل نوید به تأیید این موضوع می نویسد: که شاه امان الله برای رسیدن به این هدف مانند جدش عبدالرحمن خان مصمم شد که قدرت و نفوذ گروه های مذهبی را تضعیف کند، اما به این تفاوت که هدف امیر عبدالرحمن خان از انهدام قدرت طبقات روحانی استحکام قدرت مرکزی و ارتقای موقف شاهی بود، درحالیکه شاه امان الله میخواست با محدود ساختن نقش محافظه کاران مذهبی راه پیشرفت و ترقی افغانستان را به موازات و معیارهای مدرن و جدید برطبق روحیه و اصول اسلامی باز کند. (نوید، سنزل: "واکنش های مذهبی..."، صفحه 172)

همانطوریکه در دوره اول اصلاحات موضوع معارف و بخصوص مکاتب دختران و نیز تلاش برای تأمین حقوق زنان یکی از اهداف عمده شاه و ملکه بود و اما در اثر فشارهای وارده ناشی از شورش خوست و مباحثات جدی علمای محافظه کار مذهبی درلویه جرگه 1303 شاه به قبول خواست آنها تن داد، همینکه در دوره دوم (1326) دوباره بر اوضاع مسلط شد، راه اولی را در پیش گرفت و مکتب مستورات را باز گشائی کرد و بار دیگر دختران خوردسال هر روز رفتن به مکتب را شروع کردند.

(ملکه ثریا با دو خواهرش هریک خیریه و حوریه در سال 1925 با چادری های نمونه جدید "چادری قندهاری" طراحی خودشان)

درعین زمان برای سهولت زنان در رعایت "ستر و حجاب اسلامی" ملکه به کمک مادر و خوهران خود و یک تعداد دیگر خانمهای دربار نخست به فکر تعدیل چادری دولاق برآمدند و کوشیدند چادری نسبتاً آزادتر را بین زنان مروج سازند و یک نوع چادری مکتبی را برای دختران نیمه جوان انکشاف دادند که شامل یک پیراهن و یا دامن دراز و



د پانوی شمیره: له 2 تر 7

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلیکني د لیکنيزي ښي پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هيله من يو خپله لیکنه له رالیرلو مخکي په څیر و لولئ

یک چادر بزرگتر در سر بود. خواهران ملکه نمونه دیگر چادری را از تکه کم وزن به رنگ سیاه برای دختران جوان و زنان طراحی کردند که مشتمل بود بر: دامن دراز تا بند پاها و یک یالان فراخ نیم تنه بدون آستین که به روی شانه ها انداخته میشد و یک روسری از عین تکه و رنگ که موها را می پوشانید. جرابهای ضخیم و رنگ روشن و دستکشها بدست، واقعا یک ابتکار بسیار جالب و در عین زمان عملی و سهل بود. این چادری را بنام "چادری قندهاری" نیز می نامیدند. این ابتکارات تا مدتی دوام کرد و اما نتوانست عمومیت پیدا کند.

همراهی ملکه با چند خانم دیگر در معیت شاه به خارج یک گام بزرگ در راه تحولات بعدی بود. ملکه در هند از جمعیت مردان فاصله گرفت و فقط در مهمانی های رسمی زنانه اشتراک کرد، در مصر هنگام پیاده شدن از کشتی فقط یک روپوش سیاه رنگ به روی خود گذاشت و موهایش را زیر کلاه پنهان کرد. در آنجا نیز ملکه با جمعیت مردان خلط نشد (البته به استثنای یکی یا دو جا)، اما وقتی به ایتالیا رسید، مثل یک زن اروپائی با لباس اشرافی کلاه و بالاپوش دراز در بیرون و در دعوت ها با لباس معمول رسمی که هیچگاه تنش برهنه نبود، با شاه و دیگران یکجا اشتراک نمود. حین برگشت در ایران باز هم فقط یک روپوش نازک سیاه رنگ به روی گذاشت، با شاه یکجا به بازار رفت و در اجتماع مردم ظاهر شد که ملکه ایران بر این وضع انتقاد کرد و نخواست ملکه افغان را در همه دعوتها همراهی کند، اما دو سال بعد ملکه ایران عین روش ملکه ثریا را پیروی کرد. وقتی شاه و ملکه به وسیله موتر از ایران به وطن برگشتند و از راه هرات به قندهار آمدند، در آنجا نیز ملکه با یک روبند و کلاه ظاهر شد و حین ورود به کابل شاه و ملکه مورد استقبال عده کثیر اهالی به شمول یک عده زیاد زنان قرار گرفتند و آنها برای اولین بار چهره ملکه خویش را از زیر روبند مشاهده کردند. (شرح مزید - وکیلی پوپلزائی: "سفرهای..."، صفحات متعدد)

شاه امان الله بعد از عودت به وطن در قندهار ضمن سخنرانی به مردم گفت: "من شخصا در اروپا مشاهده نمودم که زنان دوش بدوش مردان کار میکنند و در تمام ساحات زندگی و در همه امور سیاسی، اجتماعی و تجارتي سهم فعال میگیرند. شما میتوانید زنان را در دفاتر، در کارخانه ها و در فابریکه ها بیابید... خلاصه در هر جا بروید، زن هست، مگر در افغانستان زنان تنها این را میدانند که بیکار در خانه بنشینند و بخورند". آن وقت شاه روی خود را به چند زن حاضر کرده گفت: "پس شما چه میتوانید بکنید؟ بکوشید شما خود پول بدست بیاورید. شما در مملکت تان هرگونه معدن دارید، آنها را استخراج کنید و از آن استفاده نمایید، شرکتها، فابریکات و کارخانه تاسیس کنید و کمی زحمت و شجاعت به خرج دهید، در انصورت مبالغ هنگفت پول بدست خواهید آورد". (سید رسول: نگاهی به عهد سلطنت امانی، از انتشارات کمیته فرهنگی اتحاد اسلامی مجاهدین افغان، چاپ اول، پشاور 1405 هجری قمری، صفحه 189)

شاه و ملکه هر دو به این نظریه بودند که در اسلام روی و کف دستها شامل ستر و حجاب نمیشد و به این اساس پوشیدن برقع یا چادری برای زنان اساس اسلامی ندارد و عرف مردم در طول زمان به آن وجه دینی داده است، چنانچه جریده امان افغان یک مقاله ملکه ثریا را بعد از سفر اروپا به نشر سپرد که در یک قسمت مقاله چنین نوشته بود: «بصورت عموم دیده میشود که رسم و رواجها بعد از طی چند ایام بصورت یک اصل مذهبی درآمده است و این در تمام مذاهب واقع شده، همین موضوع در مورد حجاب هم صدق میکند. در ابتداء این مسئله خیلی ساده و یک معمول عنعنوی بود، مگر به مرور زمان به حیث یک اصل مذهبی درآمده است.» او در ادامه مقاله نوشت: «اگر مسئله حجاب به شکل فعلی ادامه پیدا کند، امکانات پیشرفت و ترقی ملل شرق مخصوصاً مسلمانان ناممکن است. زنان در تمدن بشری نقش عمده داشته اند و من به جرأت میگویم تا زمانیکه طبقه انات شرق تریبه لازم به اساس اصول جدید بدست نیاورند، در زندگی مفید بوده نمیتوانند. آنانیکه با نظرتنگ میگویند که زنان حتی با داشتن حجاب نیز تعلیم و تربیه را کسب نموده میتوانند، مفهوم تعلیم و تربیه را ندانسته اند. تعلیم و تربیه محض به خواندن و نوشتن اطلاق نمیگردد، بلکه تعلیم و تربیه به مفهوم وسیع آن عبارت از آمادگی عملی انسان از طریق درس، تجربه و آزمایش های است که فقط از طریق مراکز عمومی تعلیم و دارالفنون ها میسر شده میتواند که این آمادگی در زیر پرده (چادری) ممکن نیست. بهر صورت من برای منفعت مردم شرق خویش به آنها توصیه می نمایم که روپوش های شانرا دور انداخته، راهی را انتخاب نمایند که قرآن توصیه نموده است.» (امان افغان، مؤرخ 25 جولای 1928)

لویه جرگه 1307 و اهم مصوبات آن:

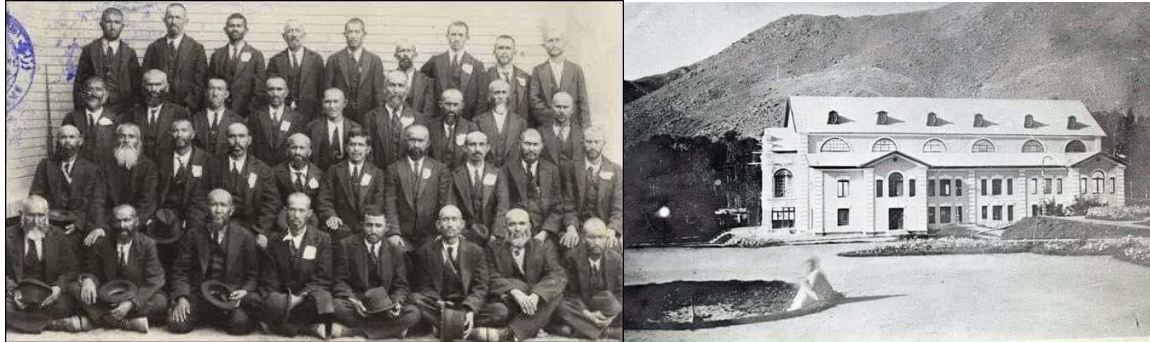
وقتی اعلیحضرت پس از سفر به دوازده کشور که تقریباً هشت ماه بطول انجامید، از راه قندهار به کابل مواصلت کرد، مردم کابل برای سه روز بازگشت او را جشن گرفتند و از او و هیئت معیبتی او به گرمی استقبال کردند. بعد

د پانوی شمیره: له 3 تر 7

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلیکنی د لیکنیزې ښې پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیرلو مخکې په څیر و لولئ

از آن شاه امان الله برای استراحت چندروز به پغمان رفت، اما زود برگشت و برای تدویر لویه جرگه که قبلاً هدایت داده بود، آماده شد. شاه لویه جرگه را بتاريخ 6 سنبله 1307ش (29 اگست 1928) مشتمل بریک هزارنماینده جهت ارائه راپور سفر و اقدامات بعدی دولت در پغمان دایر کرد. در این جرگه نمایندگان مجبور شدند تا بجای لباس ملی و محلی، با لباس اروپائی مشتمل بر دریشی و نکتائی و کلاه شاپوه ملیس شوند و این لباس را دولت به آنها تحفه داد. جرگه پنج روز دوام کرد که بطور کل بحث های آزاد وجدی بین اعضای لویه جرگه و دولت در مسائل مختلف صورت گرفت.



عمارت "سینما" در پغمان - محل برگزاری لویه جرگه های 1303 و 1307 و تعدادی از وکلاء با لباسهای مخصوص

متأسفانه گزارش مفصل درباره رویدادهای مکمل این لویه جرگه در دست نیست و شاید به دلیل اینکه این لویه جرگه در حالی برگزار شد که کشور در یک نوع آرامش قبل از طوفان قرار داشت و جریان لویه جرگه و سپس تدویر کنفرانس ها در قصرستور از یکطرف و نارضایتی نمایندگان و حلقات محافظه کار مذهبی از طرف دیگر فرصت تدوین و نشر رویداد را میسر نداشت و اگر اسنادی هم در دست بود، با وقوع اغتشاش سقوی و سقوط سلطنت امانی از بین برده شدند.

جریده امان افغان در یک شماره مخصوص خود مختصر جریان رویداد های روز اول، دوم و سوم لویه جرگه را به نشر سپرد: شاه امان الله غازی پس از مراسم افتتاحیه ضمن سخنرانی مبسوط خود در باره ایجاد تحولات جهت ترقی و تعالی کشور از لزوم تبدیل شورای دولت به شورای ملی سخن گفت و فرمود: «منتظر بودم، همینکه قابلیت مملکت قدری پیش برود و وکلای ملت بتوانند شورای مملکت را اداره کنند، این حق را باوشان بدهم. اینست که امروز این قابلیت را در وکلاء ملاحظه کرده و این حق را بملت میدهم». سپس قانون انتخابات وکلاء طرح و لایحه آنرا سرمنشی حضور قرائت کرد که بعد از بحث و مذاکره نظامنامه شورای ملی به تصویب رسید و از طرف جرگه تصدیق شد. (متن نظامنامه شورای ملی و نیز برای شرح مزید در زمینه دیده شود - آهنگ، پوهاند محمد کاظم: "سیر ژورنالیزم در افغانستان"، چاپ دوم، پشاور، 1378، صفحه 277 - 288، به نقل از: جریده امان افغان، شماره فوق العاده از جریان لویه جرگه سوم 1307 در پغمان)

مأخذ دیگری که بر رویدادهای لویه جرگه 1307 بصورت فشرده و اما جامع روشنی انداخته، کتاب "روابط خارجی افغانستان در نیمه اول قرن بیست"، اثر افغانستان شناس معروف امریکائی - اطریشی "لودویک آدامک" است که در یک قسمت فصل چهارم زیر عنوان "سفر و شکست امان الله" مطالبی دارد که اهم آن ذیلماً اقتباس میشود:

آدامک می نگارد: «در جلسه اول فیصله شد که شورای دولت باید با یک پارلمان یا شورای ملی که توسط ملت آزادانه انتخاب شود، تعویض گردد. اشخاص رسمی حکومت نمیتوانند به عضویت شورای ملی انتخاب شوند. شورای ملی باید با لویه جرگه هم آهنگی داشته باشد».

در جلسه روز دوم مورخ 30 اگست نخست راپور فعالیت های وزرای مختلف در ظرف سه سال گذشته خوانده شد و بعد از آن بحث درباره چند موضوع صورت گرفت. آدامک خلاصه این تصاویر را چنین بیان میکند: «لویه جرگه قیود و شرایطی را وضع کرد که قدرت عفو از قضات و حکام گرفته شود و این قدرت تنها برای پادشاه تفویض گردد؛ از رشوه، سوء استفاده و زجر و دشنام دادن جلوگیری شود؛ یک هیئت تحقیق و تفتیش مستقل تشکیل گردد تا به مظالم و شکایات ولایات رسیدگی کند؛ مدت خدمت عسکری از دو سال به سه سال تمدید یابد و برای همه اجباری باشد، در آن

د پانوی شمیره: له 4 تر 7

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de یادونه: دلیکنی د لیکنیزی ښی پازوالی د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیرلو مخکې په څیر و لولئ

استثناء نمیگنجد و نه عوضی گرفتن مجاز دانسته میشود؛ تطبیق تعزیر ممنوع شود زیرا ساحه آن بسیار وسیع است از پیشانی ترشی تا حکم قتل را در برمیگیرد، لذا جزاها باید بصورت قاطع تعریف و مشخص گردند؛ بالاخره به تقاضای اعضای لویه جرگه و تطبیق درست مالیات بر مواشی، لازم دیده شد تا هر سال سرشماری و احصائیه گیری مواشی صورت گیرد.»

در اجلاس روز سوم لویه جرگه (مورخه 9 سنبله مطابق 31 اگست) فیصله بعمل آمد که: «جمله عناوین و القاب رسمی را از بین بردارند و همچنان القاب اجتماعی را ملغی سازند و بنابراین همه اشخاص رسمی را بدون در نظر داشت مقام و منزلت به کمال سادگی "عزیز" خطاب نمایند، مثل عزیز محترم، وزیر عزیز و امثالهم. حتی امان الله پادشاه نیز میخواست او را هم "پادشاه عزیز" خطاب کنند، اما اعضای لویه جرگه این پیشنهاد او را قبول نکردند و اصرار ورزیدند که امان الله لقب خود یعنی "علیحضرت" را حفظ نمایند. همچنان فیصله شد که لباسهای مجلل رسمی و یونیفورم های قیمتدار باید از بین برود و در اوقات رسمی و مراسم اجتماعی باید لباسهای ساده برای اشخاص ملکی دریشی سیاه و برای اشخاص نظامی دریشی خاکی تخصیص داده شود. علاوه بر آن جمیع مدالها و نشانهای تزییناتی از بین برداشته شود، به استثنای نشان استقلال که برای اشخاص بسیار فعال و نافع ملی و فاتحان و قهرمانان نظامی اعطا میشود. یکی از موضوعات حساس همانا در مورد کسانی بود که به حیث امام، معلم یا واعظ در امور دینی توظیف می شدند که باید تابع امتحان دانسته شوند و بعد از امتحان و اخذ تصدیق نامه اجازه دارند تا وظایف خود را انجام دهند. علاوه ملاحظاتی که از خارج بودند، بخصوص آنهاییکه از مدرسه دیوبند هند فارغ التحصیل شده بودند، برای شان اجازه داده نشود که داخل افغانستان به گردش بپردازند، زیرا آنها مردمان بد و شریر و پروپاگندچی خارج و خائن شمرده میشوند. کسانی که از چنگ قانون فرار کرده اند و یا فرار میکنند، باید توسط نمایندگان ملت برحسب قانون دستگیر شود و نیز محاکم عصری که در حال تأسیس اند، باید قرار خود را به اساس سند و شواهد صادر کنند، نه آنکه توسط اصول قدیمه گواهی و شهادت...»

آدامک در ادامه می نویسد: «در پایان جلسه امان الله اعلام کرد که او 53 هزار تنگ خریداری کرده و اراده دارد تا 50 هزار دیگر هم با 50 میلیون گلوله [هرفنگ با یک هزار کارتوس] و مهمات دیگران خریداری کند و قیمت آن از درک کمک و اعانه جمیع افراد کشور که بالاتر از سن پانزده باشد فی نفر پنج افغانی و تادیه یک ماهه معاش مامورین دولت برای یک مرتبه پرداخته خواهد شد.» آدامک می افزاید: «برطبق اخبار منتشره در مطبوعات افغانستان این اعلان امیر با شوق و ذوق پذیرفته شد و نماینده کابل - غلام محی الدین گفت که او حاضر است برای این هدف مقدس یک لک افغانی اعانه بدهد و از دیگران هم خواهش کرد تا از او پیروی کنند.»

در جلسه روز چهارم (مورخه دهم سنبله مطابق اول سپتمبر) یک قسمت زیاد وقت صرف مباحثه پیرامون قانون مامورین و مسایل مربوط آن گردید، طوریکه آدامک می نگارد: برای جلوگیری از تخطی باید مامورین دولت در شروع مأموریت، دارائی خود را با عاید سالانه آن ثبت نمایند. این اوراق باید بدسترس هیئت تفتیش گذاشته شود و آنچه اضافه از مصارف آنها باقی می ماند، یا چشمه عایداتی آنها وانمود گردد و یا آنکه حاصل تخطی و اختلاس آنها بشمار رود که در اینصورت موجب تنبیه و جزاء پنداشته میشود. همچنان قانون مامورین که زیر بحث بود، درباره ترفیعات و مصارف سفریه حین انجام وظیفه، نیز مطالبی را در برداشت که در این مجلس روی آن بحث صورت گرفت و در عین زمان فیصله شد که معاش مامورین دولت توسط شورای ملی تعیین گردد. از همه مهمتر تصمیم گرفته شد که مامورین دولت نمیتوانند بیش از یک زن داشته باشند. علاوه پیشنهاد شد تا حداقل سن ازدواج برای پسران 22 و برای دختران 18 سالگی تعیین گردد، اما این نظر بعد از مباحثات زیاد به اکثریت مطلق آراء رد شد، زیرا با اصول اسلامی همخوانی نداشت. در اخیر مجلس چهارم، امان الله شاه پیشنهاد کرد که خانم او به حیث ملکه و پسرش شهزاده رحمت الله را که در آنوقت شش ساله بود، به حیث وارث تاج و تخت و ولیعهد افغانستان بشناسند. این پیشنهاد اخیر با کف زدن و هلله زیاد پذیرفته شد و تصویب گردید. (شرح مزید: آدامک، لودویک: "روابط خارجی افغانستان در نیمه اول قرن بیست"، چاپ اول به زبان انگلیسی، پوهنتون اریزونا، 1974)، مترجم: پوهاند محمد فاضل صاحبزاده، چاپ دوم، پشاور، 1377، صفحات 189 تا 193)

یکی از پر جنجال ترین اقدامات عصر امانی موضوع رفع حجاب بود که حتی در سقوط رژیم نقش بسیار عمده بازی کرد. در نتیجه همین طرز فکر بود که شاه امان الله در این لویه جرگه از ملکه ثریا خواست تا به حیث اولین زن افغان روپوش خود را در حضور نمایندگان مردم بطور رسمی از چهره بردارد و بدینوسیله به رفع حجاب رسمیت دهد.

د پانو شمیره: له 5 تر 7

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلیکني د لیکنيزي ښي پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هيله من يو خپله لیکنه له رالیرلو مخکي په څیر و لولئ

لویه جرگه نه تنها به رفع حجاب مهر نماند نگذاشت، بلکه اکثر نمایندگان از این پیش آمد شاه و ملکه منزجر گردیدند و حتی بعضی ها صدای اعتراض را نیز بلند کردند. رفع حجاب بزعم شاه امان الله برداشتن برقع (چادری) بود که برطبق عنعنه زنان مکلف به پوشیدن آن بودند. او ستر شرعی را که شامل کف دستها و روی زن نیست و بارعایت آن زن میتواند بکار و مشغله متناسب به حال خود بپردازد، قبول داشت و حتی به قول وکیلی پوپلزائی شاه درلویه جرگه پغمان گفت: «من مسئله حجاب را آزاد میگذارم» و علاوه کرد: «تنها چیزیکه رعایت آنرا مینمایم مسئله ستر شرعی است، یعنی اگر دیدم بیشتر از حدودیکه در شرع انورآمده است مثلاً دستها الی بند و روی الی زرخ، اگر بیش از این بی ستری دیدم، مجازات و از آن جلوگیری خواهم کرد». (وکیلی پوپلزائی: "سفرهای غازی..."، صفحه 277) قابل ذکر است که به تعداد 12 نفر از خانم ها از جمله اعضای "انجمن حمایت زنان" درلویه جرگه 1307 پغمان به حیث وکلای طبقه نسوان تعیین شدند؛ این اولین بار در تاریخ کشور بود که زنان کشور در مجمع بزرگ ملی و تقنینی در کنار مردان با حقوق مساوی، البته در صف جداگانه اشتراک کردند.

مسلم است که مخالفت و برخورد عنعنه گراها و عناصر محافظه کار در برابر تجدد و نوآوریها در جوامع مختلف همیشه با یکنوع مقاومت برضد تحول همراه بوده که حتی بعضاً با قیامهای مسلحانه و سقوط رژیم ها و حکومت کشورها منتج شده است. در جامعه مردسالار افغانستان که زنان جز ملکیت شخصی مرد شناخته میشوند و قادر به دفاع از حقوق خود نیستند، هر نوع تلاش برای رهایی آنها از طرف دولت و اصلاحات دستوری از بالا بطور عموم با مقاومت های نسبی مواجه گردیده است. این مقاومت ها در عصر امانی بیشتر از آنکه در سطح ملی و مردمی تبارز کند، در سطح قشری و توسط گروپهای علاقمند به قدرت براه انداخته شدند که بدون شک در عقب آن دست قوی انگلیس ها بطور محسوس و اما نامرئی فعال بود.

در روز اخیر اجلاس لویه جرگه (مورخه 11 سنبله مطابق دوم سپتمبر) اعلیحضرت از لویه جرگه تقاضا کرد تا بیرق ملی جدید افغانستان را تصویب نمایند. به اساس پیشنهاد او بیرق کشور حاوی سه رنگ سیاه، سرخ و سبز باشد که در آن سمبول آفتاب سرکشیده از قله های پربرف و به دوطرف آن خوشه های از گندم و در وسط آن نام "الله" به حیث نشان بیرق ثبت شود. (برای شرح مزید دیده شود - آدامک، لودویک: "روابط خارجی افغانستان در نیمه اول قرن بیست"، چاپ اول به زبان انگلیسی، پوهنتون اریزونا، 1974، مترجم: پوهاند محمد فاضل صاحبزاده، چاپ دوم، پشاور، 1377، صفحات 189 تا 193)

با این ترتیب لویه جرگه 1307 به پایان رسید، اما اعلیحضرت فرصت نیافت یا لازم ندید تا راجع به دیگر نکات مورد علاقه خود در لویه جرگه ابراز نظر کند و شاید هم به دلیل اینکه فکر میکرد اعضای لویه جرگه به آن چندان علاقمند نخواهند بود. لذا او تصمیم گرفت ادامه موضوعات را در یک فضای دیگر به سمع مردم و به خصوص مامورین عالیترتبه نظامی و ملکی دولت، اعضای شورای دولت و تعدادی از روشنفکران و معاریف و بزرگان شهر کابل با خانم های شان برساند. به همین دلیل اعلیحضرت یک ماه بعد از ختم لویه جرگه بتاريخ 10 میزان (2 اکتوبر) برای چهار روز متواتر الی 13 میزان (5 اکتوبر) جلسات دیگر را با اشتراک در حدود 600 نفر به شمول اعضای کوردپلماتیک و خانم های شان در قصر ستور (وزارت خارجه) دائر کرد.

انجمن "حمایت نسوان" و اشتراک در لویه جرگه

شاه و ملکه بعد از برگشت از سفر اروپا، یکعده خانمها را تشوق کردند تا انجمنی را برای دفاع از حقوق زنان تشکیل دهند. این انجمن بنام "انجمن حمایت نسوان" در ماه جولای 1928 تاسیس شد و در راس آن یکی از خواهران شاه قرار داشت و تعداد اعضای آن بالغ بر 22 زن بودند. انجمن در حقیقت شکل یک مرجع دفاعی و نیمه قضائی را داشت که شکایات زنان را از شوهران شان بررسی میکرد، از جمله طور مثال ندادن نفقه کافی برای زن و یا لت و کوب زن از طرف شوهر و یا طلاق بدون موجب و غیره. انجمن یک هیئت رسیدگی به حال زنان را توظیف کرد تا به زنان مستقیماً به تماس شده و مشکلات شانرا دریافته و در صدد رفع آن برآید و حتی از زنان پیر خواسته شد تا بخانه ها بروند و جویای احوال زنان گردند. (ریه تالی، سنیوارت: آتش در افغانستان 1914 - 1929، مترجم: یار محمد کوهسار کابلی، چاپ اول، پشاور 1380، صفحه 71)

همچنان به تعداد 12 نفر از بین اعضای این انجمن درلویه جرگه 1307 پغمان به حیث وکلای طبقه نسوان تعیین شدند؛ این اولین بار است که زنان کشور در مجمع بزرگ ملی و تقنینی در کنار مردان با حقوق مساوی، البته در

د پانوی شمیره: له 6 تر 7

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلیکني د لیکنيزي ښي پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هيله من يو خپله لیکنه له رالیرلو مخکي په څیر و لولئ

صف جداگانه اشتراک کردند. نمایندگان مشتمل بودند بر: - شاهره ملقب به شریجان خانم حبیب الله خان طرزی؛ - سامیه همسر محمد کبیرخان سراج؛ - شهزاده بیگم ملقب به بی بی گل همسر محمد حیدر خان اعتمادی خواهر محمد نادر خان؛ - حضرت بیگم ملقب به شاه کوکو والده فیض محمد خان زکریا؛ - محبوب ملقب به ماه گل همسر احمد علی خان سلیمان؛ - حمیرا ملقب به کوکوجان همسر محمد رفیق خان؛ - فخری همسر محمود خان یاور؛ - شهناز همسر امین الله خان؛ - حبیبیه ملقب به بوبوگل همسر محمد یونس خان؛ - همسر عبدالله خان بلوکمشر؛ - همسر محمد حسین خان تولیمشر؛ - بوبوگل والده سردار بی بی همسر امین الله خان. (برای شرح مزید دیده شود: اسکینازی، می: زنان افغان...، صفحه 11 و 12)

(ادامه دارد)

د پانیو شمیره: له 7 تر 7

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلیکني د لیکنيزي ښي پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله لیکنه له رالیرلو مخکي په څیر و لولئ